

## درآمدی بر مبانی فلسفی تاثیرگذار بر ایجاد تحول فقه زکات از رویکرد فردی به رویکرد حکومتی<sup>۱</sup>

دکتر محمدرضا کیخا (نویسنده مسئول)

دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

kaykha@hamoon.usb.ac.ir

دکتر علیرضا آبین

استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

### چکیده:

در میان انواع عبادات، زکات چهره‌ای ویژه دارد چراکه ترکیب وجهه حق الهی و حق الناسی در آن، و نیز اختلاط دو چهره فردی و عمومی، به آن جایگاهی ممتاز داده است؛ در طول تاریخ فقه، عمدتاً نگاه به حوزه فقه زکات، فردگرایانه بوده است. لیکن پس از انقلاب اسلامی، ناکارآمدی رویکرد فردی به زکات آشکارتر گردید. از این رو، تلاش‌هایی از سوی صاحب‌نظران برای حکومتی جلوه دادن فقه زکات صورت پذیرفت. اما کمتر پژوهشی به تحلیل فلسفی و روشمند تحول نگاه فردی به رویکرد حکومتی در حوزه فقه زکات پرداخته است. این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده نشان می‌دهد که زکات اساساً تأسیس حاکمیتی محض است، لیکن اقتضائات زمینه‌ای، آن را مبدل به نهادی خصوصی نموده بود، لذا با بهره‌گیری از مبانی فلسفی حاکم بر فقه زکات، می‌توان مجدداً رویکرد حکومتی را بر آن حاکم نمود و آنگاه برای انضمامی نمودن این نگاه فلسفی، ایده تجمیع متمرکز و توزیع متوازن زکات و مدل عملیاتی شدن آن را ارائه کرد.

### واژگان کلیدی:

زکات، فقه فردی، فقه حکومتی، روش‌شناسی، تجمیع زکات، توزیع متوازن زکات، فلسفه فقه.

### مقدمه:

از جمله مباحثی که نوع نگاه فردی یا حکومتی<sup>۲</sup> به آن، سبب ایجاد تمایز بنیادین در قلمرو کارکردهای آن می‌شود، بحث از زکات است. عمده هدف تشریح زکات، بازتوزیع ثروت و برقراری عدالت توزیعی در جامعه است. با وجود این، به‌ویژه در فقه

<sup>۱</sup>. این پژوهش برگرفته از طرح پژوهشی به شماره قرارداد ۰۸۴۲۰۸۵۶ با کمیته امداد امام (ره) استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. از این رو، مراتب سپاس خود را از معاونت‌های آموزشی و پژوهشی آن نهاد ابراز می‌داریم.

<sup>۲</sup>. در خصوص رویکردهای فقهی می‌توان از جهات مختلفی به بحث نشست: گاه تمرکز بر اختلافات منهجی و نوع مواجهه فقیه با منابع و مبانی معرفتی است؛ و گاه دیگر، مقصود تفاوت در قلمرو، اهداف، وظایف فقیه و گستره فقاهت است. در رویکرد اخیر سخن در این است که اساساً فقه تا چه میزان قادر به اداره جامعه پیچیده کنونی است؟ (ر.ک.: اعرافی، ۱۳۹۵، ش ۴۲ تا ۳۵۱). در پاسخ، برخی قائل به انتظار حداقلی از فقه اند؛ چنین رویکردی، اصولاً فردگرا بوده، و در آن حکومت و سیاست نقش معناداری ندارد؛ ضمن اینکه، در کنار مجعولات تشریحی فردی، چیزی را بنام احکام اجتماعی تصویر نکرده و نیز با تشتت و تکثر پاسخ‌های فقهی کنار آمده و لزومی نمی‌بیند که میان پاسخ‌های استنباطی به مسائل فقهی یک باب یا ابواب

امامیه این بازتوزیع به صورت ساختارمند و در سطح وسیعی رخ نداده است؛ به بیانی دیگر، فقیهان امامیه اگرچه فلسفه تشریح زکات را برقراری عدالت توزیعی دانسته‌اند، لیکن غلبه نگاه فردگرایانه در روش‌شناسی اجتهاد ایشان، سبب گردیده بود که دایره این توزیع عادلانه را بسیار محدود ببینند. چنین نگاهی حتی اگر برای جوامع بسیط گذشته و اجتماع محدود شیعی کارآمد بوده باشد!!!؛ لیکن پس از استقرار حکومت اسلامی، روز به روز ناکارآمدی ساختار سنتی زکات در توازن بخشی جامعه در سطح وسیع آن، آشکارتر گردید؛ دلیل آن نیز واضح است، چراکه حاکمیت‌های بسیط با هزینه‌های اداری کمتر، جای خود را به دولت‌های سنگین، با دیوان‌سالاری پیچیده داده و در چنین وضعیتی، هزینه‌های دولت چند برابر گردیده است. در این میان اما، بحث از مالیه عمومی اسلامی (که ناظر به درآمدها و هزینه‌های دولت اسلامی است)، رونقی دو چندان یافته و در میان منابع سنتی مالیه عمومی، «زکات» به دلیل نقش بی‌بدیلی که می‌تواند در این زمینه ایفاء کند-، مورد توجهی جدی‌تر قرار گرفته است.

### ۱- نگاهی به پیشینه پژوهش

بر پایه مطالب مزبور، باز اندیشی در ادله زکات ضرورت دارد و تلاش‌های قابل توجهی نیز از سوی فقیهان و نظریه پردازان برای خوانشی حاکمیتی از نهاد «زکات» صورت پذیرفته که در میان آن‌ها، به ویژه چند اثر قابل توجه هستند: مصباحی مقدم، (۱۳۹۷) جایگاه زکات از دیدگاه فقه حکومتی؛ کعبی نسب و همکاران، (۱۳۹۷) قانون پیشنهادی زکات بر اساس فقه حکومتی و مالیه عمومی اسلام؛ نعمتی، (۱۳۹۵) اصول حاکم بر زکات در مالیه عمومی اسلام. غالب پژوهش‌های مزبور به بازخوانی ادله و جوب زکات بر پایه اقتضانات کنونی جامعه ایرانی پرداخته و کوشیده‌اند تا ادله‌ای در راستای ارتقاء جایگاه زکات و پررنگ کردن نقش سیاسی و اقتصادی آن عرضه دارند. اما آنچه مغفول مانده، ترسیم مبانی فلسفی تبدیل نهاد زکات از حوزه فردگرا به حوزه‌ای تمدنی است. **این در حالی است که امروزه شناخت فلسفه احکام و نهادهای فقهی و حکمت‌ها و علت‌های پشتیبان آن<sup>۱</sup> و نیز شناخت اسرار قانونگذاری، مقاصد جزئی و کلی شریعت و مصالح و مفاسد احکام<sup>۲</sup>، از طریق کتاب، سنت، عقل، تاریخ و علوم اهمیتی دوچندان یافته است<sup>۳</sup>.** بر این اساس، مهم‌ترین مسئله نوشتار حاضر، گذار از روبنا به زیربناست و پرسش‌های اصلی که در پی پاسخ به آن‌ها هستیم، این است که چه مبانی هستی‌شناسانه، ارزش‌شناسانه، انسان‌شناسانه، جامعه-شناسانه و تبارشناسانه‌ای بر نهاد زکات، حکمفرماست؟ و با چه قرائتی می‌توان از این مبانی برای تبدل روشمند نگاه فردی به حاکمیتی در حوزه فقه زکات بهره جست؟ در نهایت نیز، برای آن‌که مطالعه‌مان چهره‌ای انضمامی یابد، به این پرسش پاسخ خواهیم داد که چه مدلی می‌تواند به کارآمدسازی بهینه و پایدار زکات در قامت نهادی حاکمیتی کمک نماید؟

مختلف پیوندی نظام-واره برقرار کند (واعظی، ۱۳۹۸، ش، ۹ و ۱۳ تا ۱۸). در مقابل، برخی اعتقاد به فقه نظامات اجتماعی داشته (صدر، ۱۳۹۳، ش، ۱/ ۳۹) و عده-ای دیگر، رویکرد فقه حکومتی را پذیرفته-اند که در آن، جایگاه فقه و گستره آن از استنباط احکام فردی و تنقیح نظامات اجتماعی فراتر رفته و بلکه، وظیفه حکومت و اداره جامعه و حفظ و صیانت از آن بر کلیت فقه سایه گسترانده است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۶۳۳؛ ضیائی فر، ۱۳۹۰، ش، ۲۸۷ تا ۳۱۳).

۱. علی اکبریان، درآمدی بر فلسفه احکام، ۲۱ و ۴۳

۲. ک: ابن عاشور، مقاصد الشریعه، ۲۵۱- حسینی، مقاصد الشریعه، ۵۸- علیدوست، مقدمه علمی بر کتاب مقاصد‌های شریعت، ۱۹ تا ۱۹۱۴- فلاحتی، رهیافتی نو به مقاصد شریعت، ۳۰ تا ۳۷

۳. علی اکبریان، درآمدی بر فلسفه احکام، ۲۹۵

## ۲- مبانی فلسفی حاکم بر تشریح زکات

برای خوانش حکومتی از نهاد زکات، بازاندیشی در مبانی پارادایمی حاکم بر این نهاد فقهی لازم است، لذا باید به بررسی مبانی هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی، انسان و جامعه‌شناسی و تبارشناسی زکات پرداخت. مطالعه این مبانی نشان می‌دهد که زکات اساساً برای اهداف حاکمیتی تشریح شده بوده، لیکن تحولات مختلف آن را به نهادی غیرحاکمیتی مبدل ساخته است.

### ۲-۱- مبانی هستی‌شناختی

شناخت مبانی هستی‌شناسانه حاکم بر فقه زکات در قالب دو اصل امکان‌پذیر می‌باشد.

#### ۲-۱-۱- اصل تطابق نظام تکوین و تشریح

در هندسه نظام خلقت، ما با سه ضلع خدا، انسان و جهان مواجهیم. یکی از لوازم اساسی اصل تطابق نظام تکوین و تشریح -که از اصول مهم هستی‌شناختی می‌باشد-<sup>۱</sup>، این است که چون خالق جهان هستی و شارع، یک نفر است و آن خداوند متعال می‌باشد؛ بنابراین هم مهندسی تکوینی نظام خلقت و هم مدیریت تشریحی آن، کاملاً باید تحت اوامر الهی قرار گیرد. از این‌رو، اعتبار تشریحات کاملاً وابسته به انتساب به اراده شارع می‌گردد. بدیهی است که در چنین نگاهی، چهره عبودیت پررنگ‌تر شده و هدف از تکوینیات و تشریحات، وصول به مقام استخلاف فردی و جمعی<sup>۲</sup> و نیل به مقام بندگی<sup>۳</sup> است. مطلبی که پاره‌ای از فقیهان، از آن به «اصالت‌التعبدی» یاد کرده‌اند.<sup>۴</sup>

#### ۲-۱-۲- اصل عبادی بودن زکات و تبلور خاص آن در فقه حکومتی

از دل مبانی هستی‌شناختی فوق، اصل عبادی بودن بسیاری از آموزه‌های فقهی و از جمله زکات قابل استخراج است.<sup>۵</sup> علاوه بر اینکه همه احکام شرعی دارای حکمت هستند و هر حکم شرعی، متضمن جلب مصلحت یا مصالحی برای بندگان و یا دفع مفسده می‌باشد.<sup>۶</sup> زکات برخلاف پاره‌ای از عبادات، چهره‌ای جمعی داشته و هدف اولیه‌اش، دمیدن روح تعبّد جمعی و تکامل گروهی در اجتماع است.<sup>۷</sup> از نصوص دینی نیز به وضوح بر می‌آید که تعلق حق زکات به اموال مکلفین، اساساً نوعی «حق الله» می‌باشد. بر اساس این مبانی هستی‌شناختی و کلامی آدمی نسبت به دارایی خود، مالکیتی ندارد، بلکه هم اصل اموال و هم سود حاصل از آن، متعلق به خداوند متعال است.<sup>۸</sup> چنین نگرش توحیدی به زکات، آن را از ابزاری صرفاً مادی برای اداره جامعه، به وسیله‌ای مؤثر در تبلور روح توحید در اجتماع مبدل می‌سازد و سبب ترویج کمالات اخلاقی و انسانی در بستر فقه حکومتی می‌گردد. و این دقیقاً یکی از نقاط تمایز حقوق مالیه اسلامی با حقوق مالیه عمومی در سایر نظام‌های سکولار-بشری است؛ زیرا پرداخت زکات در اسلام- به عنوان مالیات-، صرفاً برای حفظ کیان جامعه و تأمین مصالح دنیوی

<sup>۱</sup> آبین، درآمدی بر روش‌شناسی و اندیشه‌شناسی حقوقی استاد دکتر جعفری لنگرودی، ۶۶۸ تا ۶۷۲- جوان آراسته، حقوق در اسلام، ۸۱-

<sup>۲</sup> بقره/۳۰

<sup>۳</sup> ذاریات/۵۶

<sup>۴</sup> زارعی سبزواری، القواعد الفقهیه فی فقه الامامیه، ۳۰۰/۱۴

<sup>۵</sup> هاشمی شاهرودی، درسنامه فقه، ۱/۱۶ و ۲۰

<sup>۶</sup> علی اکبریان، پیشین، ۵۶ به بعد

<sup>۷</sup> هاشمی شاهرودی، درسنامه فقه، ۲۱/۱

<sup>۸</sup> مریوانی، همکاران، «معیارهای شناخت احکام تعبّدی در فقه اسلامی»، ۲۳۴

نیست. به همین جهت، منع از پرداخت زکات جزو بزرگترین گناهان است و منجر به عدم مقبولیت نماز و عذاب اخروی و دنیوی می‌شود.<sup>۱</sup> تا آنجا که عده‌ای از فقیهان حکم به کفر فردی که ممانعت از پرداخت زکات می‌کند، داده‌اند<sup>۲</sup> و حتی ادعای اجماع شده مبنی بر اینکه می‌توان با فردی که ممانعت از پرداخت زکات کند، جنگید و در این مسیر، حتی اگر او به قتل هم برسد، خونش هدر است.<sup>۳</sup>

فلسفه چنین سخت‌گیری‌هایی، به‌ویژه در نگاه فقه حکومتی آشکارتر می‌گردد زیرا در این تفکر، «اسلام، حکومت است و سایر احکام، مطلوب‌های بالعرض هستند»<sup>۴</sup>. این چنین نگاه کلانی بیانگر این است که عینیت اسلام در حکومت است؛ تا آنجا که فروعاتی چون نماز و روزه و حج و ...، حتی توان تراحم با حکومت را ندارند زیرا تراحم اصولاً میان دو پدیده هم عرض است. لذا حکومت و صیانت از آن، عین صیانت از اسلام است و این مسأله به عنوان حکم اولی، مقدم بر همه احکام دینی می‌باشد.<sup>۵</sup> از این رو، اگر قرار باشد که انکار یا ممانعت از پرداخت زکات منجر به اختلال در امر حکومت داری اسلامی شود، بایستی ضمانت اجراهای دنیوی و اخروی سنگینی برای آن لحاظ گردد. بر این پایه، عده‌ای معتقدند که صرف انکار زکات، سبب مستقل برای حکم به ارتداد و کفر شخص منکر است.<sup>۶</sup> افزون بر ضمانت اجرای سنگین در فرض انکار زکات، در خصوص شخصی که مانع از تأدیه زکات می‌گردد نیز لسان نصوص دینی بسیار قاطع است تا آنجا که در تعدادی از نصوص معتبر، تصریح شده کسی که حتی از پرداخت یک قیراط زکات ممانعت کند، نه تنها مؤمن نیست بلکه حتی مسلمان هم محسوب نمی‌شود. و در زمره بی‌دین‌ها و یا یهودیان و نصرانیان قرار می‌گیرد.<sup>۷</sup> وانگهی، در مأثورهای که حاوی وصایای پیامبر (ص) به علی (ع) است، ممانعت از پرداخت زکات، جزو اسباب کفر در امت اسلامی شمرده شده است.<sup>۸</sup> البته برخی فقهاء در تفسیر آن نصوص گفته‌اند که مراد، کفر مصطلح نیست بلکه چنین شخصی دارای بعضی از مراتب کفر است.<sup>۹</sup> ضمن اینکه از ظاهر برخی دیدگاه‌ها فقهی بر می‌آید که حکم مزبور، مورد اجماع فقهاست.<sup>۱۰</sup>

<sup>۱</sup> کلینی، الکافی، ۳/۱۲/۵- جابری، «بررسی تطبیقی اجمالی نظام مالی اسلام و سرمایه‌داری»، ۱۸۴- نعمتی، «اصول حاکم بر زکات در مالیه عمومی اسلام»، ۱۰۶.

<sup>۲</sup> حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۳/۹، ۲۲- حلی، تذکره، ۹/۵ و ۱۰/۵- نجفی، جواهر الکلام، ۳۱۰/۱۳- اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ۳۱۷/۱۲- قمی، مناهج الاحکام، ۷۳- سیستانی، مناهج الصالحین، ۱۶/۱- حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، ۲۸۷/۸- انصاری، صراط النجاه، ۲۱۹.

<sup>۳</sup> نجفی، جواهر الکلام، ۱۳/۱۵- سبزواری، مهذب الحکام، ۹/۱۱- موسوی خوئی، مستند العروه الوثقی (الزکاه)، ۱۱ و ۱۰.

<sup>۴</sup> حلی، تذکره، ۸/۵- نجفی، جواهر الکلام، ۳۴۳/۲۱- اردبیلی، مجمع الفائدة، ۵۲۶/۷- حلی، تلخیص، ۸۵- حلی، ارشاد، ۳۵۲/۱- شهید ثانی، حاشیه ارشاد، ۵۰۳/۱- بحرانی، الحدائق، ۷/۱۲- شهید اول، الدرر، ۲۲۹/۱- القطان الحلی، معالم الدین، ۳۱۳/۱.

<sup>۵</sup> موسوی خمینی، کتاب البیع، ۶۳۳/۲.

<sup>۶</sup> بحرانی، الحدائق، ۸/۱۲- نجفی، جواهر الکلام، ۴۷/۶ و ۴۸- حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، ۲۸/۲.

<sup>۷</sup> حر عاملی، وسائل الشیعه، ۳۲/۹ و ۳۳.

<sup>۸</sup> حر عاملی، وسائل، ۳۴/۹.

<sup>۹</sup> موسوی خوئی، المستند فی شرح العروه، ۱۱ و ۱۰- نجفی، جواهر الکلام، ۱۳/۱۵ و ۳۴۳/۲۱- سبزواری، مهذب الاحکام، ۹/۱۱.

<sup>۱۰</sup> حلی، تذکره، ۸/۵.

در مجموع می‌توان گفت: اینکه در آیات و روایات، میان مقوله انفاق با صلوات و ایمان به غیب<sup>۱</sup> نوعی مقارنت را شاهدیم گواه بر جایگاه والای زکات در تعالی روح عبودیت در فرد و جامعه است.<sup>۲</sup> لذا امتناع از پرداخت زکات جزو بزرگترین گناهان برشمرده شده که عواقب شدید دنیوی (مانند ابتلاء به قحطی، بیماری، نقصان و تضييع اموال، مرگ احشام و از بین رفتن برکت و حاصلخیزی زمین و...) و عقوبت‌های سنگین اخروی را به همراه خواهد داشت.<sup>۳</sup>

بنابراین، زکات نهادی است که ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. پیوند این نهاد اجتماعی - به عنوان ضروری دین -، با دنیا و آخرت به قدری وثیق است که انکار آن - طی شرایطی - منجر به ارتداد مصطلح گردیده و آثار فقهی ارتداد بر آن مترتب می‌گردد.<sup>۴</sup> و اینها همه حکایت از اهمیت زکات در حوزه حکومت داری دارد.

## ۲-۲- مبانی ارزش‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی زکات

**شناخت مهمترین و موثرترین مبانی و اهداف ارزشی، انسانی و اجتماعی زکات در تحلیل دقیق‌تر بحث موثر می‌باشد. این**

**تأثیرگذاری به ویژه با نگرشی مقاصدی به فقه زکات که طرفدارانی جدی در فقه امامیه و عامه دارد، کاملاً مشهود است.**

## ۲-۲-۱- عدالت توزیعی و مصلحت عمومی

اگر عدالت را از اهداف آرمانی و حداکثری فقه بدانیم، تأمین مصلحت عمومی، هدف حداقلی فقه است؛ چراکه حفظ حیات جمعی در گرو تأمین مصلحت همگانی است. برای مصلحت عمومی، اوصافی را برشمرده‌اند از جمله: جمعی بودن، حداقلی بودن، آلی بودن و اخلاقاً بی‌طرف بودن.<sup>۵</sup> مصادیق مصلحت عمومی نیز بسیارند، لیکن مهم‌ترین آنها عبارتند از: تأمین نظم عمومی، تأمین امنیت عمومی و تأمین حداقل رفاه عمومی.<sup>۶</sup> در اسلام نیز تأمین مصالح عمومی و اجتماعی و توسعه و تکامل کارآمد آنها، از مهم‌ترین مبانی نظام اجتماعی و انسانی اسلامی قلمداد می‌شوند.<sup>۷</sup> بر همین اساس، قاعده حفظ مصلحت نظام به عنوان قاعده‌ای فقهی مورد توجه جدی فقهاء قرار دارد و پس از انقلاب اسلامی، توجه به آن بیشتر گردیده است.<sup>۸</sup> فقیهان عامه - که زودتر حکومت داری را تجربه کرده و به اهمیت حاکمیتی زکات پی برده بودند -، بر پایه نگاهی ارزش‌شناسانه، جامعه‌شناسانه و انسان‌شناسانه به زکات، برای آن دو مصلحت عمده ذکر کرده‌اند:

(۱). مصلحتی که ناظر به تهذیب نفس شخص موذی زکات است و حس خود دوستی، منفعت‌طلبی، جاه و مال پرستی را در او کنترل نموده و نوعی «سخاوت نفس» در او به وجود می‌آورد که به کمک آن، مظاهر خساست‌های دنیوی از او دور می‌شود و

<sup>۱</sup> بقره/۳ و مدثر/۴۳ و ۴۵.

<sup>۲</sup> حر عاملی، وسائل الشیعه، ۳۸۲/۹، ۳۸۷، ۱۲، ۳۶۹ - نجفی، جواهر الکلام، ۱۵/۷ - بحرانی، الحدائق، ۹/۱۲ - سبزواری، مهذب الاحکام، ۱۱۷/۲۲ - فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعه، ۱۲۴ - الجناجی، کشف الغطاء، ۱۳۹/۴ و ۱۴۰ - گلپایگانی، هدایه العباد، ۲۸۴/۱.

<sup>۳</sup> حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۴/۹، ۲۳ و ۲۶.

<sup>۴</sup> نجفی، جواهر الکلام، ۳۴۳/۲۱ - حلی، منتهی، ۱۶/۸ - حلی، تلخیص، ۸۵ - حلی، ارشاد، ۳۵۲/۱ - القطن الحلی، معالم الدین، ۳۱۳/۱ - اردبیلی، مجمع الفانده، ۵۲۶/۷ - حلی، تذکره ۸/۵ - شهید ثانی، حاشیه الارشاد، ۵۰۳/۱.

<sup>۵</sup> راسخ، حق و مصلحت، ۵۶۵/۲.

<sup>۶</sup> راسخ، حق و مصلحت، ۵۶۷ تا ۵۷۲.

<sup>۷</sup> علیدوست، فقه و مصلحت، ۱۲۴ تا ۱۲۶ - خیری، مبانی نظام اجتماعی در اسلام، ۲۹۱، ۲۰۹ و ۳۴۶ - ابن عبدالرحیم، حجه الله البالغه، ۴۲۶/۱ و ۲۲۳/۲.

<sup>۸</sup> نوحی، قواعد فقهی در آثار امام خمینی، ۲۹۶ تا ۳۱۲ - موسوی خمینی، صحیفه امام، ۴۵۲/۲۰ و ۲۴۸/۴.

صبر بر شدائد در او تقویت گشته و آلام دنیوی بر او آسان می‌گردد و حسّ نوع‌دوستی و حُسن تعامل با سایرین در او تقویت می‌شود. و نهایتاً، موجب نوعی انشراح روحانی در شخص انفاق کننده می‌گردد.<sup>۱</sup>

(۲). **مصلحت عمومی که از آن، به «مصلحت راجع به مدینه یا نفع مملکت» یاد می‌شود<sup>۲</sup>** این مصلحت که ناظر به کارکرد حکومتی زکات است، خود بر دو وجه می‌باشد: یکی تعاون با ضعفاء و نیازمندان است و دیگری تکمیل و رفع نیازهای مملکت و تسهیل در اموری که همه آحاد جامعه در آن منفعی مشترک دارند چراکه نظام حاکمیت، نیازمند منابع مالی است که به کمک آنها، ارکان معیشتی جامعه حفظ گردد و قوام یابد و ساختار فیزیکی آن (مانند ایجاد پل و ساخت خیابان و...) به نحوی مطلوب سامان یابد.<sup>۳</sup>

**در نصوص روایی امامیه نیز دقیقاً به هر دو مصلحت مزبور- هم از نگاه فردی و انسانی و هم از نگاه اجتماعی و حکومتی - توجه شده است و به عنوان مبانی تقنین، فلسفه و مقصدهای برتر احکام زکات مورد توجه متفکرین شیعی قرار گرفته است<sup>۴</sup>.** از جمله مهم‌ترین حکمت‌های تشریح زکات در روایات شیعه، عبارتند از: تقویت اقتصادی نیازمندان و برطرف نمودن نیاز فقراء و صیانت از اموال اغنیاء<sup>۵</sup>، تهذیب نفس از زیاده خواهی و طمع، ابتلاء و آزمایش اغنیاء، رعایت مواسات و برابری و برادری، رحمت بر ضعفاء، اداء شکر الهی توسط اغنیاء، پاک نمودن اموال، برکت در مال و...<sup>۶</sup>.

#### ۲-۲-۲- سایر اهداف انسانی و اجتماعی زکات

بر پایه آنچه گفتیم، هم به لحاظ انسان‌شناختی و هم از حیث جامعه‌شناختی، زکات واجد اهداف متنوع انسانی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، عقیدتی و... می‌باشد؛ که از جمله نمونه‌های آن عبارتند از: تهذیب و تطهیر و تذکیه نفس، استحکام عقاید، گسترش ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی، تطهیر و برکت دهی به اموال، باز توزیع ثروت، توانمندسازی نیازمندان، رشد فعالیت‌های اقتصادی و کسب روزی حلال، کاهش فاصله‌های طبقاتی، انسجام اجتماعی و تلاش برای مستحکم نمودن مناسبات و پیوندهای میان انسان‌ها در خانواده و جامعه، افزایش حسّ نوع دوستی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، استحکام بخشی به حوزه حکمرانی از طریق تأمین بودجه و کمک به تأمین امنیت‌های روانی و بیرونی.

لذا برخی معتقدند که تشریح زکات مبتنی بر دو اصل عبادی بودن و مصلحت عمومی است و از دل اصل مصلحت عمومی، اصول و آثاری همچون کارآمدسازی و چابک‌سازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حفظ کرامت انسانی و احترام به اموال، ترویج ارزشمندی کار و اجتناب از بیکاری، برقراری اعتماد میان مردم جامعه در قبال یکدیگر و در قبال حاکمیت، ایجاد قاطعیت و شفافیت در جمع‌آوری زکات و نظارت بر حسن توزیع آن، خدمات رسانی و تداوم در خدمت رسانی به جامعه توسط حاکمیت از طریق جمع‌آوری زکات و تأمین بودجه، رعایت سرعت و سهولت در جمع‌آوری و توزیع زکات، تخصیص هدفمند زکات در راستای مدیریت بهینه منابع مالی، توانمندسازی فعالیت‌های اقتصادی خرد و کلان، آگاه‌سازی مؤدیان زکات و مأموران (عاملین)

<sup>۱</sup> ابن عبدالرحمان، حجه الله البالغه، ۱/۲۵۵ تا ۲۵۷ و ۲/۱۳۹ تا ۱۴۲.

<sup>۲</sup> علوانی، مقصدهای شریعت، ۱۹۳ تا ۲۰۷-۲۰۷ تا ۲۰۷، ابن تیمیه حرانی، مجموع الفتاوی، ۲/۵۰ و ۵۱.

<sup>۳</sup> ابن عبدالرحمان، حجه الله البالغه، همان.

<sup>۴</sup> حسینی، مقاصد الشریعه، ۱۵۳.

<sup>۵</sup> حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۱/۹ و ۱۰.

<sup>۶</sup> همان- ربانی، اصول ثابت سیره معصومین(ع)، ۳۹۷ تا ۳۶۵.

نسبت به قواعد و موازین قانونی و فقهی، مراعات صرفه جویی نسبت به هزینه کرد زکات، قائل شدن حق شکایت و نظارت نسبت به جمع آوری و توزیع زکات برای مؤدیان، عاملین و مستحقین زکات<sup>۱</sup>. این نگاه قطعاً آثار روش شناختی متنوعی خواهد داشت که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم: در خصوص اینکه متصدی دریافت زکات کیست، میان فقیهان اختلاف نظر است؛ برخی معتقدند که پرداخت زکات به امام یا عامل منصوب از سوی او زمانی واجب است که ایشان درخواست کرده باشند<sup>۲</sup>؛ عده‌ای بر این اعتقادند که پرداخت زکات به امام یا عامل منصوب از سوی او مطلقاً واجب است، خواه مطالبه زکات کرده باشند یا خیر<sup>۳</sup>؛ پاره‌ای از فقیهان، میان صورت مطالبه امام یا عامل منصوب از سوی او و عدم مطالبه ایشان، قائل به تفصیل شده، پرداخت زکات در حالت اول را واجب و در حال دوم، مستحب دانسته‌اند<sup>۴</sup>؛ بعضی نیز گفته‌اند که در صورت نبود امام یا عامل او، شخص مؤدی خود می‌تواند اقدام به پرداخت زکات کند<sup>۵</sup> (ابن زهره، پیشین). تعدادی از فقهای برجسته - از گذشته تا به امروز - نیز تصریح کرده‌اند که در صورت حضور معصوم یا عامل منصوب از سوی او، زکات به ایشان پرداخت می‌گردد و در صورت نبود ایشان، شخص مؤدی، ملزم به پرداخت زکات به فقیه عادل و امین می‌باشد و حق مصرف آن را بدون اذن فقیه ندارد<sup>۶</sup>.

در میان دیدگاه‌های فوق، به نظر می‌رسد که به ویژه دیدگاه اخیر کاملاً مبتنی بر نگاه حکومتی به پرداخت زکات و توجه به جایگاه امام یا نائب (خاص یا عام) او در مدیریت زکات می‌باشد. تا آنجا که برخی فقیهان برجسته معتقدند که زکات، تأسیسی فردی نیست تا اختیار آن به دست خود مردم باشد بلکه نهادی حاکمیتی است و اختیار آن در دست اولی الامر (حکومت اسلامی) می‌باشد و در زمان غیبت، اطلاق و عموم ادله ولایت فقیه، اقتضاء دارد که تصدی این مسئله به دست حاکم جامعه باشد<sup>۷</sup>.

## ۲-۳- مبنای تبارشناسانه و زمینه‌گرایانه زکات

یکی از شیوه‌های تحقیق کیفی، فهم دنیای انسانی و اجتماعی بر پایه بستری است که پدیده‌ها و کنش‌ها در آن ظهور می‌یابند؛ از این شیوه به متن‌گرایی، مضمون‌گرایی یا زمینه‌گرایی<sup>۸</sup> تعبیر می‌گردد<sup>۹</sup>. در این خوانش تاریخی، باید هر نص را در ظرفی از شرایط متنوع اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، زمانی و مکانی که آنرا احاطه نموده، تحلیل نمود و آنگاه بررسی کرد که تغییر شرایط مزبور در گذر زمان، تا چه میزان می‌تواند خوانش فقیه از نصوص دینی را متفاوت سازد؛ به طوری که معرفت علمی حاصل از آن نص، در عین پایا بودن، پویا و کارآمد نیز باشد. در ادامه همین نگاه را در خصوص فقه زکات پیاده خواهیم کرد.

## ۲-۳-۱ - مطالعه زمینه‌گرایانه در فقه زکات

به نظر می‌رسد که برای فهم زمینه تشریح زکات در سال نهم هجری، باید به سال‌ها قبل از آن بازگشت و فرهنگ عشایر عرب را واکاوی نمود. نبی مکرم اسلام در راستای سر و سامان دادن به حکومت اسلامی، برنامه‌های ویژه ساختاری و مدیریتی داشت

<sup>۱</sup> نعمتی، «اصول حاکم بر زکات در مالیه عمومی اسلام»، ۱۱۹ تا ۱۰۴ - کعبی نسب، «قانون پیشنهادی زکات براساس فقه حکومتی...»، ۸ و ۹.

<sup>۲</sup> طوسی، الوسيله، ۱۳۰ - ابن فهد حلی، المهذب، ۵۳۷/۱.

<sup>۳</sup> ابن زهره، غنیه، ۲۴۲/۵.

<sup>۴</sup> میلانی، محاضرات فی فقه الامامیه، ۱۵۶ و ۵۴/۲.

<sup>۵</sup> ابن زهره، غنیه، ۲۴۲/۵.

<sup>۶</sup> منتظری، ولایه الفقیه، ۳۲/۴ و ۳۳ - حلبی، الکافی فی الفقه، ۱۷۲ - ابن براج، المهذب، ۱۷۱/۱ و ۱۷۵.

<sup>۷</sup> مصباحی مقدم، «جایگاه زکات از دیدگاه فقه حکومتی»، ۱۲۳ تا ۱۳۳.

<sup>۸</sup> - Contextualism.

<sup>۹</sup> ایمان، فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، ۱۷۲ - صفایی و آیین، حقوق مدنی، ۱۰۴ تا ۱۰۷ - آیین، درآمدی بر روش‌شناسی، ۴۴۱.

که یکی از آنها، اصلاح آداب و رسوم عشایری بود. با این توضیح که، دو قاعده کلی بر فرهنگ عشایری عرب حکم فرما بود که پیامبر (ص) کوشیدند تا هر دو را تا حد امکان نقض کرده یا لااقل تعدیل بخشند: یکی تأمین معاش از طریق جنگ و غارت بود (به جز چهار ماه از سال)؛ و دیگری برده گرفتن اُسرای جنگی بود. پیامبر (ص) تلاش نمودند تا با تأسیس بیت المال منتظم بر اساس قانون زکات، نظام تأمین اقتصاد عشیره از راه غارت را اصلاح نماید و به جای آن، قانون زکات را عرضه دارد.<sup>۱</sup>

بر پایه مطالبی که گذشت، پیامبر (ص) برای الغاء رسمی فرهنگ مزبور (که از آن تعبیر به قانون نسبی شده است)، قانون زکات را جایگزین کردند زیرا نیک می دانستند که راه استقلال و اقتدار حکومت اسلامی، تأمین مالیه عمومی است و اِلا، سیاست کشورداری دچار بحرانی جدی خواهد شد.<sup>۲</sup> چه، عدم تأمین معاش مردم (و به ویژه غارتگران گرسنه‌ای که دیگر مجاز به جنگ و غارت نبودند)، می توانست به طغیان و حتی کفر آنها منجر گردد؛ از این رو، پیامبر اسلام اقدام به تاسیس قوانین اقتصادی و مالی برای ساماندهی به اوضاع عمومی و از بین بردن نیازهای اولیه مردم نمودند و بر پایه دستورهای الهی، اقدام به ساماندهی بیت المال کردند.<sup>۳</sup> بنابراین می توان به مسئله زکات از زاویه‌ای عمیق تر و دیگر هم نگریست و این پرسش اساسی را مطرح نمود که آیا تأدیه زکات توسط مؤدی آن، یک عمل حقوقی مدنی است و یا یک عمل حقوقی سیاسی؟. در پاسخ به این پرسش، عده‌ای وصف عمل حقوقی تأدیه را مدنی دانستند و به همین جهت، حکم به جواز تأدیه زکات توسط خود مؤدی در مصارف مذکور در آیه ۶۰ سوره توبه داده‌اند.

در مقابل اما، عده‌ای وصف عمل حقوقی تأدیه را سیاسی و حاکمیتی دانستند و معتقدند که مؤدی، باید زکات را به دولت بدهد تا او، حسب مصالح عمومی جامعه و عدالت توزیعی، آن را به مصرف برساند. بر این اساس، زکات به عنوان حق مالی دولت بر مال مؤدی مالیات محسوب می شود.<sup>۴</sup> مطالعه تاریخ جزیره العرب نشان می دهد که دیدگاه اخیر درست تر است زیرا جزیره العرب پیش از قیام رسول اکرم (ص)، کشوری واحد نبود بلکه، تگه پاره‌هایی بود که هر قسمت از آن تحت اقتدار گروهی بود. در چنین فضایی، نبی مکرم اسلام کوشیدند تا از طرق مختلف، یک حکومت یکپارچه تحت حاکمیت یک قدرت عمومی تأسیس کنند. بر این اساس، به نظر می رسد که تشریح قانون زکات و تأسیس بیت المال بر پایه آن را نیز باید در راستای همان شیوه مدیریتی پیامبر (ص) برای بسط مدیریت اجرایی و سیاسی حکومت اسلامی و نیز سیاست دولت اسلامی، برای وحدت بخشی به جزیره العرب و ایجاد پیوند میان قلوب افراد امت (امت واحده) دانست.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> جواد، المفصل فی تاریخ العرب، ۴۵/۹- واسعی، فلسفه تمدن اسلامی، ۱۴۳

<sup>۲</sup> جعفری لنگرودی، حقوق مالیه، ۳۷ و ۳۸. جعفری لنگرودی، دروس حقوق سیاسی، ۴۳ و ۴۴.

<sup>۳</sup> واسعی، فلسفه تمدن اسلامی، ۱۶۵- نصر اصفهانی و عزیز، سیری در تاریخ تمدن اسلامی و ایران، ۳۳- جان احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن

اسلامی، ۶۶

<sup>۴</sup> هاشمی شاهرودی، بحوث فی الفقه (الزکاه)، ۱۱۵/۳، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۲ و ۳۱۳- حلی، منتهی، ۴۹۴/۸- حلب (ابن ادریس)، السرائر، ۴۵۸/۱- جعفری

لنگرودی، حقوق مالیه، ۴۱- مصباحی مقدم، «جایگاه زکات»، ۱۳۳- کعبی نسب و دیگران، «قانون پیشنهادی زکات»، ۲۲ تا ۱۱.

<sup>۵</sup> جعفری لنگرودی، حقوق مالیه، ۱۲۱ تا ۱۶۲- نصیری، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، ۱۲۱



بنابراین، در حکومتی و سیاسی بودن زکات در عصر پیامبر (ص) کمتر می‌توان تردید نمود؛ نکته جالب اینکه پیامبر (ص) - به عنوان بنیانگذار مالیه عمومی اسلامی -، عمالی را به منظور وصول زکات و انتقال آن به خزانه دولت تعیین کرده بود و به نقاط مختلف در قلمروی اسلامی گسیل می‌داد.<sup>۱</sup>

با وجود این، پس از عصر نبی مکرم اسلام، حوادث تاریخی رخ داد که (اولاً) سبب گردید که نقش زکات به عنوان رکن اصلی بیت‌المال و مالیه عمومی حکومت اسلامی کم‌رنگ شود؛ و (ثانیاً) چهره حاکمیتی آن مخدوش گردد. آنچه اینک محل بحث ماست، اتفاق دوم است؛ ماجرا از این قرار بود که به ویژه پس از دوره حاکمیت پیامبر (ص) و خلافت دو خلیفه اول، در زمان خلیفه سوم، وصول زکات از مردم توسط حاکمیت، دشوار گردید و رفته رفته، کار وصول زکات، موهون (سست) شد. از این‌رو، خلیفه سوم در خطبه‌ای، به مردم اجازه داد تا خودشان زکات را در آنجایی که قانون شرع اجازه داده، به مصرف برسانند.<sup>۲</sup> با وجود این، پس از عصر خلیفه سوم، جزیره العرب «محل تاخت و تاز تجزیه طلبان قرار گرفت، هر کس در ناحیه‌ای علم قدرت برافراشت و دست به مالیه عمومی دراز کرد و زکات را وصول می‌نمود که از نمونه‌های آن می‌توان به حکومت معاویه در شام، حکومت خوارج در نهروان و عراق و قدرت طلبی طلحه و زبیر در عراق اشاره نمود»<sup>۳</sup>. با وجود این، باز هم امیرالمؤمنین علی (ع) در طول دوران خلافتش کوشید تا از تجزیه جزیره العرب جلوگیری کند و همچنان قدرت سیاسی و حکمرانی واحد را در پهنه سرزمین‌های اسلامی بگستراند. وانگهی، کوشید تا از دست اندازی به مالیه عمومی جلوگیری نماید و زکات را تحت مدیریت عمال دولتی، درآورد.<sup>۴</sup>

بر پایه آنچه گفته شد، بدیهی است که پس از عصر پیامبر (ص) و علی (ع)، در دوران سایر ائمه (ع) زکات دیگر چهره حکومتی و سیاسی خویش را از دست داد و جنبه فردی گرفت. بدین معنا که از یک سو، زکات به عنوان یکی از ارکان دین و ضروریات شریعت و فقه، تعطیل بردار نبود؛ و از دیگر سو، در عصر سایر ائمه (ع)، ایشان از عرصه سیاست و حکومت داری دور بودند و حاکمیت در دست امویان و عباسیان بود. **بنابراین به نظر می‌رسد که ائمه (ع) تمهیدی اندیشیدند تا هم جامعه اقلیت شیعی، از مزایای اقتصادی نهاد زکات بهره ببرند و لاقفل، تا حدّ ممکن، عدالت توزیعی در راستای کنترل فقر و توانمند سازی مالی شیعیان تحقق یابد و هم زکات تا حدّ امکان در اختیار امام جائر (نامشروع) قرار نگیرد؛** به همین جهت، از قدیم الایام این بحث میان فقیهان مطرح بود که آیا اساساً پرداخت زکات به امام جائز، مُجزی است و سبب سقوط تکلیف از عهده مؤدی زکات می‌شود یا خیر؟<sup>۵</sup>

تمام این مباحث سبب شد تا زکات از امری عبادی - حاکمیتی به تکلیفی عبادی - فردی تقلیل یابد و ائمه (ع) در روایات بسیاری، به مردم دستور دهند که - به جای پرداخت زکات به عمال دولتی -، خودشان اقدام به مصرف زکات در موارد منصوص

<sup>۱</sup> جعفری لنگرودی، همان، ۴۱ و ۴۲.

<sup>۲</sup> نصیری، تاریخ تحلیلی، ۲۰۸ - جعفری لنگرودی، حقوق مالیه، ۴۱.

<sup>۳</sup> جعفری لنگرودی، حقوق مالیه، ۴۲.

<sup>۴</sup> نصیری، تاریخ تحلیلی، ۲۳۵ - ربانی، اصول ثابت سیره معصومین (ع)، ۴۱۵ تا ۴۶۵.

<sup>۵</sup> ر.ک: الویری، تاریخ اجتماعی شیعیان، ۱۶۹.

<sup>۶</sup> حلی [تذکره، ۳۲۱/۵ - حلی، منتهی، ۳۰۵/۸.

شرعی نمایند.<sup>۱</sup> افزون بر این‌ها، نبود سازوکارها و ساختارهای اجرایی در دست ائمه(ع)، و نیز عدم امکان تعریف چنین سازوکارهایی از سوی ایشان نیز از عوامل اصلی اتخاذ رویکرد فردی در حوزه فقه زکات بود.

وانگهی، به نظر می‌رسد که ائمه(ع) از این تهدید و تحدید (محدودیت)، یک فرصت ساختند و آن علاوه بر باز توزیع ثروت، این بود که با دستور به مصرف زکات توسط خود مؤدی آن، او را مستقیماً با بطن جامعه درگیر کرده و به او کمک می‌کردند تا واقعیات جامعه اسلامی و گرفتاری‌هایی ضعیف‌ها را از نزدیک و بدون هیچ‌گونه واسطه‌ای لمس کند. بی‌گمان، چنین رویکردی، آثار اخلاقی، تربیتی و معنوی عمیقی بر مؤدی زکات خواهد گذاشت، درک او از مشکلات جامعه را همه جانبه‌تر و دقیق‌تر خواهد نمود، حس نوع دوستی را در او توسعه خواهد داد، احساس مسئولیت و اشتیاق به پرداخت زکات را در او افزایش خواهد داد.

## ۲-۳-۲- تحلیل پایانی

**مروری بر تاریخ اجتماعی شیعیان گواهی راستین بر وجود خفقان شدید سیاسی بر امامان معصوم و پیروان آنهاست، بطوری که به ویژه هرچه با حوزه سیاست و قدرت مرتبط می‌شد، شدیداً توسط قوای حاکمه مورد کنترل و احیاناً سرکوب قرار می‌گرفت؛<sup>۲</sup> بدیهی است که زکات نیز چون مستقیماً با حوزه مالیه عمومی اسلامی مرتبط بود، بنابراین مورد توجه جدی حاکمیت قرار داشت. در اهمیت و حساسیت نهاد زکات- به عنوان تأسیسی اقتصادی و سیاسی-، همین بس که برخی تصریح کرده‌اند که مصب اصلی تقیه، امور راجع به خلافت رسول (ص) و مالیه عمومی (اخماس و زکوات) بوده است.<sup>۳</sup> بنابراین، در هنگام بررسی جهتی روایات صادره از ائمه(ع) باید توجه داشت که بیشترین حوزه درگیری حکومت‌های بنی امیه و بنی عباس با امامان معصوم(ع)، بر سر مسائل ناظر به خلافت پیامبر(ص) و شئون و لوازم برخاسته از آن (و از جمله دریافت مالیات) بوده است؛<sup>۴</sup> و آلا در مسائل حقوق مدنی یا مسائل فردی عبادی کمتر شاهد موضع‌گیری‌های سلبی از سوی قدرت حاکم وقت هستیم.<sup>۵</sup> به نظر می‌آید که یکی دیگر از اسرار اینکه امامان(ع) پرداخت زکات را مستقیماً به مؤدیان واگذار کرده بودند و خود سازوکار ویژه اداری تعریف نکردند این بوده که در فرض ترسیم سازوکار اجرایی برای تجمع متمرکز و توزیع وسیع زکات، حکومت مطلع می‌گردید و به زکات جمع‌آوری شده دست درازی می‌نمود و عملاً اقلیت شیعی از مزایای متنوع زکات محروم می‌ماندند؛ بنابراین، ائمه(ع) اجازه می‌دادند که خود مؤدی، بی‌سر و صدا اقدام به مصرف زکات در همان منطقه‌ای که حضور دارد، نماید؛ و از این طریق، هم از هزینه‌های گزاف حمل و نقل زکات و هم از خطرات راه‌ها و حیف و میل شدن زکات ایمن بماند.**

با تمام این اوصاف، متأسفانه در کتب فقهی (اعم از کتب استدلالی یا فتوایی) کمتر به مطالعات زمینه‌گرایانه پرداخته شده است. و همین امر سبب شده تا فقیهان به استناد پاره‌ای از روایات، حکم به جواز مصرف زکات توسط خود مؤدی دهند.<sup>۶</sup> این در حالی است که مطالعات کیفی زمینه‌گرایانه به ما می‌آموزد که تغییر بستر و ظرف صدور نص، می‌تواند در تفسیر ما از نصوص

<sup>۱</sup> حر عاملی، وسائل الشیعه، ۳۱۲/۹.

<sup>۲</sup> ر.ک: خضری، تشیع در تاریخ، ۱۵۴.

<sup>۳</sup> جعفری لنگرودی، علم موضوع شناسی، ۱۲۹-نوحی، قواعد فقهی، ۴۱.

<sup>۴</sup> ر.ک: نور مفیدی، قاعده تقیه، ۲۷۸.

<sup>۵</sup> جعفری لنگرودی، حقوق مالیه، ۱۳۰ و ۱۲۹.

<sup>۶</sup> حر عاملی، وسائل الشیعه، ۳۱۲/۹ و ۲۸۲.

بسیار موثر باشد زیرا معصومین علیهم السلام دارای شئون مختلفی هستند و بسیاری از این شئون متأثر از شرایط و اقتضائات محیطی آنهاست و به همین جهت است که نمیتوان هر روایتی را برخاسته از شأن تشریح و قابلیت استناد دانست و هر روایت معتبری را به عنوان قضیه ای حقیقیه و متضمن احکام دائمی و فرامگانی تلقی نمود<sup>۱</sup>.

خوشبختانه در تاریخ تشریح اسلامی، هر دو برهه تلقی زکات به عنوان نمادی حاکمیتی (یعنی عصر پیامبر(ص) و امام علی(ع)) و نیز نگاه به آن از زوایه فقه فردی (یعنی عصر سایر معصومان) تجربه شده است. هر کدام از این نگرش‌ها، برخاسته از بستر و اقتضائات زمانه‌شان بوده است؛ تلقی نخست در فضایی رقم خورده که حکمرانی در اختیار نبی مکرم و وصی او بوده است و رویکرد دوم نیز در فضای خفقان حاکمیتی و به انزوا کشاندن سایر ائمه(ع) بوده است.

حال، در دوره زمانی حاضر - که عصر استقرار حکومت اسلامی است -، مجدداً بستر حکمرانی دینی فراهم آمده است، پس بدیهی است که زکات، چهره حاکمیتی - سیاسی خود را باز یافته و لذا، ضرورت دارد که با بازخوانی و بازاندیشی در ادله زکات، اقدام به بسط ید حاکم اسلامی و بازسازی این نهاد ارزشمند از زاویه ای مبتنی بر فقه حکومتی و متناسب با اقتضائات کنونی جامعه نماییم و به ویژه اینکه، چون اساس شکل گیری جمهوری اسلامی، مبتنی بر اندیشه ولایت فقیه (با خوانش امام راحل) است، و ایشان حکومت فقیه را دنباله حکومت پیامبر(ص) و از شئون آن می‌دانند<sup>۲</sup>؛ بنابراین، اکنون که روابط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بسیار پیچیده تر از جوامع بسیط گذشته شده است؛ اقتضائات ناظر به مصلحت عمومی، مصلحت نظام و عدالت توزیعی ایجاب می‌کند که افزون بر احیاء رویکرد حکومتی به زکات، ساختار آن نیز بازسازی گردد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

### ۳- دیدگاه برگزیده

عدالت توزیعی، مفهومی مشکک است؛ و الگوی تأمین اجتماعی اسلامی نیز بر پایه همین تفکر و تلقی از اندیشه عدالت توزیعی استقرار یافته است. به همین جهت، در اسلام، تأمین اجتماعی دارای مراتب مختلفی است که سه مرتبه «حداقل معیشت»، «حد کفایت معیشت» و «بالتر از حد کفایت» را پوشش می‌دهد. در الگوی اسلامی تأمین اجتماعی، از راه کارهای مختلفی به ویژه تدارک خصوصی،<sup>۳</sup> تکافل عمومی<sup>۴</sup> و تضامن دولتی<sup>۵</sup> استفاده می‌شود زیرا آنچه اهمیت دارد، جامعه محوری توحیدی برای ایجاد «جامعه رفاه» است نه «دولت رفاه». بدین منظور، آموزه‌های اسلامی از یک سو، با ترویج ارزش‌هایی چون زهد، قناعت، کمک به یکدیگر و اطلاع از حال نیازمندان<sup>۶</sup>، و از سوی دیگر، با استفاده از مالیات‌های منصوص شرعی (نظیر زکات)، درآمدی - های ناشی از مالکیت‌های دولت (انفال) و مالیات‌های حکومتی، درصددند تا زمینه مناسبی برای ایجاد تأمین اجتماعی فراهم آورند.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> ضیائی فر، فلسفه علم فقه، ۳۹۹/۱

<sup>۲</sup> موسوی خمینی، ولایت فقیه، ۵۹.

<sup>۳</sup> عبارت است از: «مسئولیت هر فرد در تدبیر عزتمندانه معیشت و تأمین نیازهای زمان حال و آینده خود». حسینی، ۶.

<sup>۴</sup> عبارت است از: «مسئولیت ثروتمندان در تأمین نیازهای ضروری». همانجا.

<sup>۵</sup> عبارت است از: «مسئولیت دولت در زمینه تأمین حد کفاف برای عموم مردم». همانجا.

<sup>۶</sup> جوادی عاملی، مفاتیح الحیاء، ۱۷۹.

<sup>۷</sup> حسینی، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، ۳۴۷-۳۴۶- صفائی و آیین، حقوق مدنی، ۳۳۶ و ۳۳۷.

بنابراین یکی از اهداف اسلام، برقراری عدالت توزیعی است، منتهی سطح برقراری آن (یعنی حداقل، حد کفایت و بالاتر از آن) وابسته به اقتضائات متنوع عقیدتی، اقتصادی، اجتماعی و ... است. یکی از این مؤلفه‌ها، نوع رویکرد فقیه به مسئله زکات است؛ در نگاه مبتنی بر فقه فردی، فقیه اصولاً فلسفه تشریح زکات را تأمین حداقل‌های معیشتی و رفع فقر می‌داند. به همین جهت، اجازه می‌دهد تا مؤدی زکات، خودش آن را حسب صلاح‌دید خود، به مصرف برساند. چنین نگاه حداقلی، اگرچه مفید است اما در کاهش جدی فقر و رساندن جامعه به حد کفایت از معیشت، نقش مؤثر و کارآمدی نخواهد داشت. ضمن اینکه عملاً مزیت اقتصادی مؤلد و بلند مدتی نخواهد داشت و نهایتاً، به توانمندسازی آحاد جامعه و پیاده سازی اصل دعوت عمومی اسلام در کاهش فقر و رسیدن به حد کفایت معیشت و حتی بالاتر از آن منجر نخواهد شد.

در مقابل، در نگاه فقه حکومتی به حوزه مالیه عمومی، تلاش برای درانداختن طرحی کلان و نظام واره در راستای یکپارچه سازی یا همگرایی نظام منابع مالی اسلامی است و یکی از اجزاء این طرح کلان، زکات است. که باید در این طرح واره، جایگاه ممتازش را بیابد، آنگاه مناسباتش با سایر اجزاء نظام منابع مالیه عمومی روشن گردد. برای تحقق این آرمان، راه‌کارهای متنوعی قابل طرح است؛ لیکن پیشنهاد نگارندگان، بازسازی فرآیند مصرف زکات و ارائه سازوکارهایی برای تجمیع و متمرکزسازی درآمدهای زکوی و سپس، توزیع متوازن آنها است.

توضیح آنکه، پیش از این گفتیم که پس از عصر تشریح و دوره خلافت امام علی (ع)، عمدتاً حاکمیت در اختیار امامان معصوم (ع) نبود، همین امر موجب شد تا از یک سو، غالب شیعیان از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... در موضع ضعف قرار گیرند و چه بسا موردی بی مهری حکومت قرار می‌گرفتند؛ از دیگر سو، به جهت اینکه امامان - به هر علتی - نتوانسته بودند که آمار همه جانبه و دقیق شیعیان را در اختیار داشته باشند، و یا به جهت حساسیت مالیه عمومی (به دلیل ماهیت سیاسی - اقتصادی آن) اقدام به اعلان تجمیع و توزیع نمی‌کردند زیرا این کار، نوعی مقابله با حاکمیت تلقی می‌شد و سبب تشدید جو خفقان سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... بر امام و پیروانش می‌گردید. از سوی سوم، امام به دلایل فوق یا به دلیل نبود امکانات لازم، اقدام به تعریف سازوکار نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تجمیع و توزیع زکات نکردند، به همین جهت، در بسیاری از روایات، حضرت مباشرت در مصرف زکات توسط مؤدی آن را تجویز نمودند<sup>۱</sup> و فقیهان بسیاری بر همین پایه بود که حکم به جواز مباشرت در توزیع زکات توسط مؤدی آن را داده‌اند<sup>۲</sup> و حتی، بسیاری تنها در صورت مطالبه زکات توسط امام و نائب خاص او، حکم به لزوم تحویل زکات به ایشان نموده‌اند و در تحویل زکات به فقیه جامع شرایط در عصر غیبت، در صورت مطالبه او تشکیک کرده‌اند<sup>۳</sup>.

لیکن امروزه که شرایط تغییر کرده و حکومت اسلامی بر پا شده و ولی فقیه مبسوط الید، اشراف مناسبی به وضعیت معیشتی مردم یافته است؛ پس طبیعی است که به دلیل اشرافی که بر موقعیت، مناسبات و احکام دارد، بهینه‌تر از آحاد مردم بتواند، زکات را

<sup>۱</sup> خضری، تشیع در تاریخ، ۱۷۲ - گروه تاریخ پژوهشگاه، تاریخ تشیع، ۱۰۵ تا ۹۴.

<sup>۲</sup> حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۸۲/۹ و ۳۱۲.

<sup>۳</sup> بحرانی، الحدائق، ۲۲۲ و ۲۲۱/۱۲ - طباطبائی حکیم، مستمسک العروه، ۳۱۳/۹ - سبزواری، مهذب الاحکام، ۲۴۳/۱۱ - موسوی خوئی، المستند فی

شرح العروه، ۲۰۶/۲۴ - نجفی، جواهر الکلام، ۴۱۶/۱۵ - حسینی روحانی، المرتقی الی الفقه الارقی (الزکاه)، ۱۶/۳ و ۱۶.

<sup>۴</sup> موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت، ۵۶۸ تا ۵۶۶/۵۱.

توزیع کرده و عدالت توزیعی - اجتماعی و مقاصد مبتنی بر فلسفه تشریح زکات و مصلحت عمومی را برقرار نماید. پس، باید حکم به لزوم پرداخت زکات به او داد، مطلبی که از نگاه فقیهان معاصر دور نمانده است.<sup>۱</sup>

بدین منظور، پیشنهاد نگارندگان این است که تکثر در حوزه جمع‌آوری و مصرف زکات، جای خود را به وحدت بدهد یعنی نگاه مقلد - مجتهد در خصوص فقه زکات، جای خود را به نگاه امام - امت بدهد. از این رو، نهادهای متعدد متولی زکات سازماندهی شوند و مبدل به یک کلان سازمان مالی خواهند شد. اینگونه است که عدالت توزیعی، چهره‌ای عمومی‌تر می‌یابد و در آن، مؤلفه‌هایی چون توانمندی مالی مؤدی زکات، برابری افراد برابر در پرداخت و بهره‌مندی از زکات، عمومیت بخشی به جامعه هدف با در نظر گرفتن اولویت‌های جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... صورت خواهد پذیرفت. **البته بدیهی است که الگوی پیشنهادی ما مبتنی بر مدل پذیرفته شده سیاسی کشورمان یعنی مبتنی بر نظریه سیاسی - حاکمیتی ولایت فقیه است؛ لیکن در سایر کشورهای اسلامی که مبتنی بر این اندیشه نیست، تمهیدات متنوع دیگری برای جمع‌آوری زکات پیش بینی شده است، مثلاً در عربستان سعودی و پاکستان، موسسه زکات با وزارت مالیه و خزانه داری مرتبط بوده و از توابع آن محسوب می‌شود و یا در سودان، موسسه زکات تابع نهاد ریاست جمهوری است و در کویت، تحت اشراف وزیر اوقاف و امور اسلامی است و در مصر، بانکی موسوم به بانک ناصر در امر جمع‌آوری و توزیع زکات مستقل بوده و از نظر مالی، تحت نظارت بانک مرکزی عمل می‌کند.<sup>۲</sup>**

#### ۴- مدل پیشنهادی

۴-۱- طرح دیدگاه

از میان مدل‌های مختلف ارائه شده توسط صاحب‌نظران، به ویژه مدل «ارائه الگوی یک پارچه سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیاتهای متعارف در ایران (جمع‌آوری و مصرف منطقه‌ای در ماتریس سه بعدی ولی فقیه، منطقه و وظایف)»<sup>۳</sup> حاکی از آن است که ولی فقیه در هر یک از مناطق نماینده‌ای تعیین می‌کند که متولی جمع‌آوری وجوهات آن منطقه شود. این نمایندگان با در اختیار داشتن سامانه اطلاعاتی مشترک با نظام مالیاتی، اطلاعات پرداخت کنندگان وجوهات شرعی را براساس نام مرجع تقلیدشان ثبت کرده و به نظام مالیاتی منتقل می‌نمایند. نظام مالیاتی مکلف می‌شود که بر اساس اطلاعات پرداختی شخص، او را مشمول معافیت مالیاتی به میزان پرداخت وجوهات شرعی کند. از سوی دیگر نمایندگان ولی فقیه در منطقه بر اساس اجازه‌ای که از مراجع معظم تقلید و ولی فقیه دارند، بخشی از وجوهات جمع‌آوری شده را نزد خود نگاه داشته و متناسب با پرداختی مناطق زیر مجموعه، در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی به ویژه رفع فقر منطقه مورد استفاده قرار می‌دهند؛ بعلاوه اینکه بخشی دیگر از وجوهات را متناسب با میزان جمع‌آوری شده به نام هر یک از مراجع معظم تقلید، به دفتر ایشان منتقل می‌سازند، تا آنان براساس صلاحدید خویش، این وجوهات را در حوزه‌های کلان و حتی گاهی منطقه‌ای استفاده کنند. اما این الگو خمس و زکات را در کنار هم دیده است در حالی که خمس در نظام فقه امامیه ساز و کار خاصی دارد و از بحث طرح ما خارج است. لذا آنچه مورد نظر نگارندگان می‌باشد، پیشنهاد مدلی که در آن مودیان زکات مکلف به پرداخت زکات به نهاد مشخص شده توسط ولی فقیه که مورد تایید قانونگذار است،

<sup>۱</sup> هاشمی شاهرودی، بحوث فی الفقه، ۱۲۱/۳ و ۱۲۲- منتظری، ولایه الفقیه، ۳۳ و ۳۲/۴.

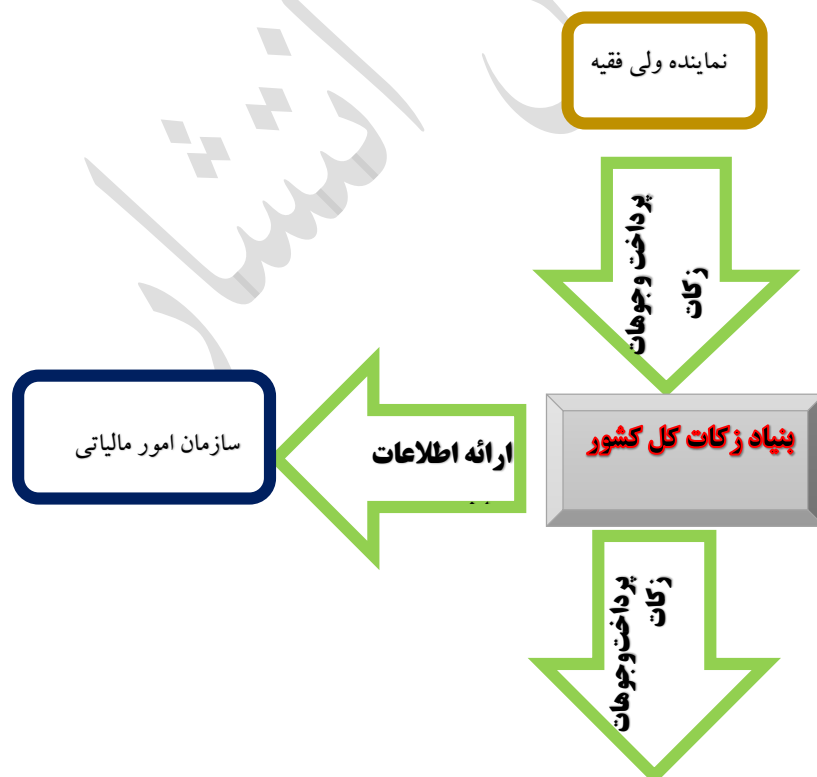
<sup>۲</sup> ر.ک: توسلی، امکان‌سنجی اجرای زکات در ایران، ۷۷.

<sup>۳</sup> کاشیان و شعبانی، «ارایه الگوی یک‌پارچه سازی نظام منابع مالی اسلامی»، ۳۵ تا ۷.

باشند. این نهاد نیز موظف به ایجاد سامانه یکپارچه برای رصد میزان دریافتی زکات در کل کشور از یک طرف و از طرف دیگر رصد موارد و مصادیق نیازمندیهای جامعه گسترده کشور می باشد و متناسب با ضرورت و اهمیت اقدام به اختصاص و هزینه در همان نقطه از کشور نماید. مزیت این مدل آن است که نهاد زکات با برنامه زیری دقیق بر اساس اطلاعات واقعی و درست از نیازمندیهای جامعه به نیازهای واقعی و ضروری هر نقطه از کشور پاسخ فوری و توانمند خواهد داد ولو آن منطقه به لحاظ دریافتی زکات با توجه به شرایط آب و هوایی کمترین میزان را داشته باشد. بر این اساس می توان گفت رشد نقاط مختلف کشور متوازن خواهد شد. در نتیجه نهاد و ستاد زکات نقش موثری در توسعه و بهبود زیرساختهای جامعه خواهد داشت و بر این اساس جایگاه ویژه در ساختار اداری کشور حتی در حد یک وزارتخانه را دارا خواهد بود. لذا با امعان نظر به رویکرد یاد شده، این نوشتار الگوی جدیدی ارائه می دهد که این مدل دارای مؤلفه های زیر است:

کاهش هزینه جمع آوری	با حذف دفاتر مراجع تقلید و سازمان امور مالیاتی، در گردآوری زکات، هزینه جمع آوری تقلیل می یابد.
مرجع جمع آوری کننده	پرداخت زکات به دفاتر ولی فقیه و انتقال وجوه دریافتی به ستاد زکات
نوع تخفیف در مالیات	معافیت مالیاتی به میزان پرداخت زکات
نوع مالیات مشمول تخفیف	پرداخت کنندگان زکات مشمول تخفیف در مالیات بر درآمد می شوند
ساختار جغرافیایی	کل کشور مبتنی بر میزان اهمیت و نیاز
ساختار مصرف	توزیع متوازن بر اساس ضرورت و اهمیت

#### ۲-۴- ساختار الگو



## کمیته امداد امام خمینی

- مهم ترین سازوکارهایی این الگو عبارتند از:
- حذف واسطه‌ها در گردآوری زکات، بمنظور تسریع و کاهش هزینه گردآوری؛
  - جمع‌آوری زکات در نزد ستاد زکات کل کشور؛
  - جلوگیری از کسری بودجه در تامین هزینه‌های پروژه‌های بنیادی و کلان محرومیت زدایی؛
  - توزیع مناسب زکات در مناطق کمتر برخوردار کشور؛
  - عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد و در نهایت کاهش فقر در اقتصاد ایران؛
  - تأثیر ابزار سیاستی معافیت مالیاتی بر ایجاد رقابت در میان ثروتمندان و افزایش تمایل آنان به پرداخت زکات.

### نتیجه‌گیری

بدون مطالعات پارادایمی و فلسفی، نمی‌توان خوانش دقیقی از ادله و نصوص داشت چراکه پارادایم، عهده دار راهبری نظری و عملی معرفت‌های علمی است. بر همین اساس است که مطالعه مبانی فلسفی را اگر نگوییم تنها راه کار، لیکن موثرترین و روشمندترین راه حل جهت تغییر نگاه به فقه زکات از رویکرد فردی به رویکرد حکومتی است. نگاهی نظام‌واره به مبانی هستی-شناسانه، ارزش‌شناسانه، انسان‌شناسانه، جامعه‌شناسانه و به ویژه تبارشناسانه حاکم بر فقه زکات نشان می‌دهد که این تاسیس، از اساس عهده‌دار اعمال حاکمیتی بوده و ماهیتاً عملی، حقوقی - سیاسی بوده است، با وجود این، اقتضانات پیرامونی رفته رفته آن را از هدف اولیه اش دور ساخت و مبدل به عملی حقوقی - مدنی نمود و این، سبب صدور نصوص شرعی معتبری با نگاه فقه فردگرایانه بر اساس همان شرایط گردید. اکنون که آن اقتضانات دگرگونه شده است و چهره اقتصادی و سیاسی زکات بسیار برجسته‌تر گشته، ضرورت خوانشی نوین و حاکمیتی از آن است. بر این پایه، نظریه پیشنهادی تجمع متمرکز و توزیع متوازن زکات در سایه طرح‌واره کلان یکپارچه سازی و همگرایی نظام منابع مالی مطرح گردید و مدل پیشنهادی اجراء آن عرضه شد. به نظر می‌رسد که بر پایه ایده و مدل مزبور، می‌توان عدالت توزیعی به معنای واقعی آن را جامه عمل پوشاند و توانمندسازی رفاهی و اقتصادی پایدارتر و بلند مدتی را رقم زد.

### منابع

۱. قرآن کریم
۲. آبین، علیرضا، درآمدی بر روش شناسی و اندیشه شناسی حقوقی استاد دکتر جعفری لنگرودی (حقوق فناغت محور)؛ نظریه عمومی اطمینان)، تهران، انتشارات داد و دانش، (۱۴۰۱ش)
۳. ابن براج، عبدالعزیز، المهذب، قم، موسسه نشر اسلامی (۱۴۰۶ق)
۴. ابن زهره، سید ابوالمکارمغنیة النزوع، بیروت، دارالاسلامیه، (۱۴۱۰ق)

۵. ابن عبدالرحیم، احمد، حجة الله البالغة، تحقیق و تعلیق: سعید احمد بن یوسف البالن بوری، دمشق، دار ابن کثیر للطباعة و النشر و التوزیع (۱۴۳۳ق)

۶. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، (المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، موسسه نشر اسلامی ۱۴۰۷ق)  
ابن عاشور، محمد بن طاهر، مقاصد الشریعه الاسلامیه، دارالنفائس، گردن، ۱۴۲۱.ق.

۷. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، موسسه نشر اسلامی (۱۴۰۵ق)

۸. اعرافی، علیرضا، در آمدی بر اجتهاد تمدن ساز، تحقیق و نگارش: علی بخشی، قم، موسسه اشراق و عرفان (۱۳۹۵ش)

**الویری، محسن، تاریخ اجتماعی شیعیان، انتشارات سمت، تهران، و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۸.ه.ش**

۹. انصاری، مرتضی، صراط النجاة، قم، نشر باقری (۱۳۷۲ش)

۱۰. ایمان، محمد تقی، فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم (۱۳۹۶ش)

۱۱. بحرانی، یوسف بن احمد ابراهیم، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، موسسه نشر اسلامی (۱۴۰۸ق)

**توسلی، محمد اسماعیل، امکان سنجی اجرای زکات در ایران، موسسه فرهنگی - انتشاراتی ستاد اقامه نماز، تهران،**

**۱۳۸۸.ه.ش، چاپ دوم**

۱۲. جابری، بیرامعلی، بررسی تطبیقی اجمالی نظام مالی اسلام و سرمایه داری، قم، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد،

موسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (۱۳۷۵ش)

**جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر معارف، قم، ۱۳۹۸.ه.ش، چاپ پنجاه و یکم**

۱۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق مالیه (به انضمام حقوق اداری)، تهران، انتشارات گنج دانش، (۱۴۰۰ش)

۱۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، علم موضوع شناسی: فقه الموضوعات، تهران، انتشارات گنج دانش (۱۳۹۷ش)

۱۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دروس حقوق سیاسی: حقوق تطبیقی - تاریخ حقوق سیاسی، تهران، انتشارات گنج

دانش (۱۳۹۸ش)

۱۶. الجناجی، جعفر بن خضر، كشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، قم، مکتب الاعلام الاسلامی (۱۴۲۲ق)

۱۷. جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیة، قم، نشر اسراء، چاپ چهل و ششم (۱۳۹۱ش)

۱۸. جوان آراسته، حسین، حقوق بشر در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۹۷ش)

**جوادی علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالساقی، ۱۴۲۲.ه.ق، چاپ چهارم، ج ۹ و ۱۳**

۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث ۱۴۱۰ق)

۲۰. حسینی روحانی، سید محمد، المرتقی الی الفقه الأرقی (الزکاة)، بقلم: السید عبدالصاحب الحکیم، تهران، موسسه

الجیل للتحقیقات الثقافیة (۱۴۱۸ق)

۲۱. حسینی عاملی، سید محمد جوادی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قم، موسسه نشر اسلامی (۱۴۱۹ق)

۲۲. حسینی، سیدرضا، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۹۴ش)



حسینی، سید حیدر، مقاصد الشریعه و دورها فی عملیه الاستنباط عند الفریقین، جامعه المصطفی العالمیه، قم،

۱۴۳۸ ه. ق، چاپ دوم

۲۳. حلبی، ابوصلاح، الکافی فی الفقه، اصفهان، مکتبه امام امیرالمؤمنین (۱۳۶۲ ش)
۲۴. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره الفقهاء، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث (۱۴۱۴ ق)
۲۵. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، ارشاد الازدهان الی احکام الایمان، قم، موسسه نشر اسلامی (۱۴۱۰ ق)
۲۶. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، تلخیص المرام فی معرفه الاحکام، قم، مکتب الاعلام الاسلامی (۱۴۲۱ ق)
۲۷. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه (۱۴۱۴ ق)
۲۸. حلب (ابن ادیس)، محمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، موسسه نشر اسلامی (۱۴۱۷ ق)
۲۹. خضری، سید احمد رضا، تشیع در تاریخ، قم، دفتر نشر معارف، چاپ چهارم (۱۳۹۳ ش)
۳۰. خیری، حسن، مبانی نظام اجتماعی در اسلام، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (۱۳۹۳ ش)
۳۱. راسخ، محمد، حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، تهران، نشر نی، چاپ سوم (۱۳۹۳ ش)

۳۲. ربانی، محمد حسن، اصول ثابت سیره معصومین (ع)، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل (۱۳۹۰ ش)
۳۳. زارعی سبزواری، عباسعلی، القواعد الفقہیہ فی فقه الامامیه، قم، موسسه نشر اسلامی (۱۴۴۱ ق)
۳۴. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم، موسسه المنار (۱۴۱۷ ق)
۳۵. سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، قم، مکتب السید سیستانی (۱۴۱۴ ق)
۳۶. صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا (اقتصاد ما)، مترجم: سید محمد مهدی برهانی، قم، پژوهشگاه علمی-تخصصی شهید صدر، قم (۱۳۹۳ ش)

۳۷. صفایی، سید حسین و علیرضا آبین، حقوق مدنی: مسئولیت مدنی محجورین، تهران، شرکت سهامی انتشار (۱۴۰۱ ش)
۳۸. ضیائی فر، سعید، مکتب فقهی امام خمینی، تهران، انتشارات عروج (۱۳۹۰ ش)

ضیائی فر، سعید، فلسفه علم فقه، انتشارات سمت، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۲ ه. ش، چاپ

اول، ج ۱.

۳۹. طباطبایی حکیم، سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، (بی تا)
۴۰. طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسیله الی نیل الفضیله، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی (۱۴۰۸ ق)
۴۱. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، حاشیه الارشاد (ضمن غایة المراد)، قم، مکتب الاعلام الاسلامی (۱۴۱۴ ق)
۴۲. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، قم، موسسه نشر اسلامی (۱۴۱۴ ق)
۴۳. علیدوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (۱۳۹۰ ش)

علیدوست، ابوالقاسم، مقدمه علمی بر کتاب مقصدهای شریعت، نویسنده: علوانی، طه جابر، مقصدهای شریعت، مترجم:

سید ابوالقاسم حسینی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ ه. ش، چاپ اول.

علی اکبریان، حسنعلی، درآمدی بر فلسفه احکام: کارکردها و راه های شناخت، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم،

۱۳۹۵ ه. ش، چاپ اول

علوانی، طه جابر، مقصدهای شریعت، مترجم: سید ابوالقاسم حسینی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ ه.ش، چاپ اول.

۴۴. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (الوقف، الوصیه، الایمان و الذور، الکفارات، الصید)، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (۱۴۲۴ق)

۴۵. فاضل لنکرانی، محمد جواد، محمد قاسمی، (۱۴۰۱ش) تفسیری نواز نظریه «الاسلام هو الحکومه» و مستندات آن، دوفصلنامه مطالعات فقه سیاست، سال دوم، شماره سوم

**فلاحتی، رهیافتی نو به مقاصد شریعت در استنباط فقهی، انتشارات حوزه علمیه خراسان ۱۴۰۱ ه.ش، چاپ اول.**

۴۶. القطان الحلی، محمد بن شجاع، معالم الدین فی فقه آل یاسین، قم، موسسه الامام الصادق، (۱۴۲۴ق)

۴۷. قمی، میرزا ابوالقاسم، مناهج الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام (صلاة)، قم، موسسه نشر اسلامی (۱۴۲۰ق)

۴۸. کاشیان، عبدالمحمد، شعبانی، احمد، ارائه الگوی یک پارچه سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیاتهای متعارف در ایران (جمع آوری و مصرف منطقه ای در ماتریس سه بعدی ولی فقیه، منطقه و وظایف)، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، سال ۴، شماره ۱ (۱۳۹۷ش)

۴۹. کعبی نسب، عباس، سید محمد کاظم رجایی و محمد ربیعی و میثم نعمتی، قانون پیشنهادی زکات بر اساس فقه حکومتی و مالیه عمومی اسلام، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره دوم (۱۳۹۷ش)

۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه (۱۳۶۷ق)

۵۱. گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تاریخ تشیع، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران، چاپ چهارم (۱۳۹۰ش)

۵۲. گلیپایگانی، سید محمدرضا، هدایة العباد، قم، دارالقرآن الکریم (۱۴۱۳ق)

۵۳. مصباحی مقدم، غلامرضا، جایگاه زکات از دیدگاه فقه حکومتی، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، سال ۱۵، شماره ۳۰ (۱۳۹۷ش)

مرویانی، ناصر و محمد عادل ضیائی و محمد مومنی مقاله: «معیارهای شناخت احکام تبعیدی در فقه اسلامی»، مجله: مطالعات فقه و اصول مذاهب، سال پنجم، شماره ۲ (۱۴۰۱ش)

۵۴. منتظری، حسینعلی، ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه، قم، دارالفکر (۱۴۱۱ق)

۵۵. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (۱۳۷۸ش)

۵۶. موسوی خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام (۱۴۲۱ق)

۵۷. موسوی خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (۱۳۹۲ش)

۵۸. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، المستند فی شرح العروه (موسوعة الامام الخوئی)، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی (۱۴۲۸ق)

۵۹. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، مستند العروه الوثقی (الزکاة)، بقلم: مرتضی بروجردی، قم، طبع العلمیه (۱۴۱۳ق)

۶۰. موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت، تحقیق: موسسه دایره معارف الفقه الاسلامی، قم، موسسه دایره معارف الفقه الاسلامی (۱۴۴۳ق)

۶۲. میلانی، سید هادی، محاضرات فی فقه الامامیه، کتاب الزکاه، مشهد، دانشگاه فردوسی (۱۳۹۵ش)

۶۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار الحیاء التراث، (بی تا)

۶۴. نصیری، محمد، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم، دفتر نشر معارف، چاپ سی و ششم (۱۳۹۴ش)

۶۵. نعمتی، میثم، «اصول حاکم بر زکات در مالیه عمومی اسلام»، مجله اندیشه‌های حقوق عمومی، سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۰ (۱۳۹۵ش)

**نصر اصفهانی، علی، حسین عزیزی، سیری در تاریخ تمدن اسلام و ایران، انتشارات سمت (تهران) و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (قم)، ۱۳۹۹ ه.ش، چاپ دوم**

۶۶. نوحی، حمید رضا، قواعد فقهی در آثار امام خمینی، تهران ناشر: عروج، (۱۳۸۶ش)

**نورمفیدی، سید مجتبی، قاعده تقیه، تنظیم و تدوین: حجت منگنه چی، انتشارات بوستان کتاب، قم، ۱۴۰۰ ه.ش**

۶۷. واعظی، احمد، رویکردهای فقهی: فقه فردی، فقه نظام‌های اجتماعی، فقه حکومتی، قم، ناشر: دانشگاه باقر العلوم. (۱۳۹۸ش)

**واسعی، سید علیرضا، فلسفه تمدن اسلامی: چیستی و مبانی و مراحل، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۴۰۰ ه.ش، چاپ اول**

۶۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود، بحوث فی الفقه (الزکاة)، قم، موسسه دایره معارف الفقه الاسلامی (۱۴۳۲ق)

**هاشمی شاهرودی، سید محمود، درسنامه فقه: متن سلسله بحث‌های خارج فقه، (زکات)، بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۳۴ ه.ق**

## **An introduction to the philosophical foundations of the evolution of zakat jurisprudence from an individual approach to a governmental approach**

### **Abstract:**

Among the types of worship, zakat has a special face because the combination of God's rights and human rights in it, as well as the mixing of two individual and public aspects, has given it a privileged position; Throughout the history of jurisprudence, the view of the jurisprudence of zakat has been mainly individualistic. But after the Islamic revolution, the ineffectiveness of an individual approach to zakat became more obvious. Therefore, efforts were made by experts to make the jurisprudence of zakat look like a government. Despite this, little research has been done on the philosophical and methodical analysis of the evolution of the individual view to the governmental approach in the field

of zakat jurisprudence. This research, which was carried out in a descriptive and analytical method, shows that zakat is basically a purely sovereign establishment, but the background conditions turned it into a private institution, therefore, by using the philosophical foundations governing zakat jurisprudence, It is possible to once again govern the governmental approach and then to make this philosophical view concrete, the idea of centralized aggregation and balanced distribution of zakat and its operational model was presented.

**Keywords:**

Zakat, individual jurisprudence, governmental jurisprudence, methodology, collection of zakat, centralized distribution of zakat, philosophy of jurisprudence

نسخه  
پیش  
انتشار